

تحلیل نقش اتاق‌های فکر در راهبرد ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران: بررسی موردی دولت ترامپ

جواد جمالی^۱، هادی ابراهیمی کیایی^۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۲

چکیده

اتاق‌های فکر را می‌توان حلقه‌ای بین دانش و سیاست دانست که سیاستمداران را قادر می‌سازد با استفاده از مطالعات علمی-پژوهشی، پیامدها و آثار تصمیم‌های خود را پیش‌بینی نمایند. این اندیشکده‌ها در ایالات متحده که مدعی رهبری نظام بین‌الملل در عصر حاضر هستند، رشد زیادی داشته‌اند. با توجه به اینکه این بازیگر سیاسی در مسائل مختلف جهانی به‌ویژه در قبال جمهوری اسلامی ایران، نیازمند راهبردهای متنوع و متعددی است، نقش حیاتی و تأثیرگذار متفکران فعال در این حوزه بسیار برجسته به نظر می‌رسد. از این رو، سؤالی که مقاله حاضر تلاش می‌کند به آن پاسخ دهد، این است که: «مؤسسات و یا اتاق‌های فکر در عرصه سیاست خارجی آمریکا چگونه بر رویکرد دولت ترامپ در قبال ج.ا.ایران تأثیرگذار بوده‌اند؟». نتایج تحقیق نشان می‌دهد اندیشکده‌ها و استراتژیست‌های آمریکا، راهبردهای متعدد و متنوعی را با استفاده از نظام دیپلماسی آمریکا به منظور تغییر رفتار و ماهیت نظام سیاسی ج.ا.ایران پیش‌روی دولت ترامپ قرار داده‌اند.

واژگان کلیدی: راهبرد، اتاق فکر، ایالات متحده آمریکا، نهادهای تصمیم‌گیری، ج.ا.ایران.

۱. دانش‌آموخته دکترای جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

رایانامه: jamalijavad76@yahoo.com

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی ساری، مازندران، ایران.

رایانامه: ebrahimi56@yahoo.com



۱. مقدمه

در شرایطی که نظام بین‌الملل و روابط میان دولت‌ها با پیچیدگی‌های زیادی مواجه است، اتاق‌های فکر و اندیشکده‌ها در ایالات متحده آمریکا که مدعی رهبری نظام بین‌الملل در عصر حاضر هستند، رشد زیادی داشته‌اند. با توجه به اینکه آمریکا در مسائل مختلف جهانی به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی نیازمند راهبردهای متنوع و متعددی است، نقش حیاتی و تأثیرگذار متفکران فعال در این حوزه بسیار برجسته به نظر می‌رسد (سلیمانی^۱، ۲۰۱۶: ۵۴).

به‌عنوان مثال، یکی از دغدغه‌ها و پیچیدگی‌های اصلی سیاست خارجی آمریکا در دهه گذشته، استراتژی این کشور در مقابله با ج.ا.ایران و نتایج حاصل از آن است؛ زیرا رهبران و سردمداران انقلاب ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی، پدیده انقلاب را فرصتی می‌دیدند تا نظام سیاسی در ایران بتواند آرمان‌های فرهنگ انقلاب اسلامی خود را جهان‌شمول نماید. در واقع، ج.ا.ایران از بدو تأسیس، نظم بین‌المللی موجود را نپذیرفته و خود را به‌عنوان یک قدرت ضد هژمونیک معرفی کرده است. «طالیهور»^۲ تأکید می‌ورزد روابط و تعاملات آمریکا و ج.ا.ایران پس از انقلاب اسلامی (برخلاف رژیم پهلوی) وارد دوره‌ای جدید از کشمکش‌ها و چالش‌های متقابل شده است که تا امروز ادامه دارد.

از این منظر، روابط میان ج.ا.ایران و ایالات متحده آمریکا با اتخاذ استراتژی «تجدیدنظرطلبانه» توسط جمهوری اسلامی در برابر استراتژی آمریکا که به دنبال «تثبیت وضعیت موجود» بود، با نوعی از تقابل مواجه شد؛ به‌گونه‌ای که ایالات متحده آمریکا، با استفاده از اهرم‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی با ایجاد فشار بر ج.ا.ایران تلاش کرده است تا از صدور انقلاب اسلامی ایران، به‌عنوان راهبردی که در صدد تغییر معادلات سیاسی منطقه‌ای و جهانی بود، جلوگیری نماید.

1. Soleimani
2. Taleihur

این روند، ضرورت حضور فعال و قدرتمند استراتژیست‌ها و اتاق‌های فکر در این حوزه را برجسته کرده است. آنچه در این زمینه حائز اهمیت است، مهارت ج.ا.ایران با هدف تغییر ماهیت یا تغییر نظام سیاسی این کشور است که متضمن و مستلزم به‌کارگیری دیپلماسی قوی راهبردهای متنوع و متعدد در زمینه‌های مختلف است. این موضوع زمینه‌های حضور قدرتمند نهادهای تصمیم‌گیری و اتاق‌های فکر را در طراحی استراتژی‌های هدفمند برای دستگاه دیپلماسی آمریکا فراهم می‌کند. در این فرآیند و در چارچوب طراحی نوع برخورد آمریکا با ج.ا.ایران و به‌ویژه در موضوع پرونده هسته‌ای، اندیشکده‌ها و استراتژیست‌های آمریکا راهبردهای متعدد و متنوعی را برای استفاده نظام دیپلماسی آمریکا در برخورد با ایران پیشنهاد می‌کنند.

رفتار ایالات متحده آمریکا و دستگاه دیپلماسی این کشور در طول بیش از چهار دهه نشان می‌دهد دو استراتژی تحت عناوین «راهبرد تغییر رفتار ج.ا.ایران» و «راهبرد تغییر نظام انقلابی ایران» همواره از سوی اتاق‌های فکر آمریکا به‌مثابه‌ی آبخشور فکری نخبگان سیاسی و نظامی این کشور در محافل سیاسی و فکری مطرح بوده است.

اینکه کدام‌یک از این راهبردها در عمل، در آغاز دهه‌ی پنجم و با روی کار آمدن دولت ترامپ، به‌عنوان استراتژی غالب از سوی اتاق‌های فکر این کشور در برخورد با مسئله‌ی ایران به هیئت حاکمه در آمریکا^۱ توصیه می‌شد و از سوی الیت قدرت دنبال می‌گردید، دغدغه‌ای است که مقاله حاضر می‌کوشد به آن پاسخ دهد.

این پژوهش از این جهت حائز اهمیت است که با توجه به انتخاب «دونالد ترامپ»^۲ در انتخابات آمریکا در سال ۲۰۲۴م. شناخت دقیق از راهبرد احتمالی دولت او در قبال ج.ا.ایران، مانع از غافل‌گیری راهبردی اطلاعاتی-عملیاتی و نیز امنیتی خواهد شد. همچنین پژوهش حاضر، ضمن بهره‌گیری از آثار و متون علمی موجود تلاش می‌کند خلأ فعلی در این آثار یعنی اثرگذاری بنیادها و مؤسسات فکری نزدیک به جمهوری خواهان بر سیاست خارجی آمریکا و به‌ویژه دولت سابق آمریکا در دوره‌ی ترامپ را پوشش دهد.

۲. مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

۲-۱. پیشینه تحقیق

در زمینه راهبرد ایالات متحده آمریکا در قبال ج.ا.ایران می‌توان به برخی از مهم‌ترین متونی که در سال‌های اخیر در این زمینه به نگارش درآمده‌اند، اشاره کرد:

«خداوردی و غفاری چراتی» در پژوهشی تحت عنوان «تجزیه و تحلیل رفتار ترامپ در قبال ایران از منظر تحلیل لایه‌ای علت‌ها» (۱۳۹۹) بیان کردند تقابل ج.ا.ایران و آمریکا در موضوعات سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی از زمان پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد و با به قدرت رسیدن دونالد ترامپ، تقابل دو کشور وارد مرحله جدیدی گردید. ترامپ با رویکرد «رنالیسم اصولی» و با بهره‌گیری از راهبرد «مرد دیوانه نیکسون»، به دنبال تضعیف ایران در حوزه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی، در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی برآمد. از این‌رو، تجزیه و تحلیل رفتار و رویکردهای وی در خصوص ایران، می‌تواند چشم‌انداز روشنی را برای دولتمردان ایرانی، جهت پیشبرد اهداف ملی و راهبردهای مقابله‌جویانه در قبال رویکردهای ضد ایرانی ترامپ به همراه داشته باشد. از این منظر، مقاله فوق با بهره‌گیری از روش تحلیل آینده‌پژوهی، مبتنی بر روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، به بررسی و تجزیه و تحلیل رفتار ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

«اخوان» و همکارانش در مقاله‌ای مشترک تحت عنوان «راهبرد سیاست خارجی ترامپ در قبال پرونده هسته‌ای ایران» (۱۳۹۷) تلاش کردند الگوی راهبردی ترامپ در قبال پرونده هسته‌ای ج.ا.ایران را در یک چهارچوب منطقی و علمی مورد ارزیابی قرار دهد. نتایج تحقیق نشان داده است رویکرد ترامپ به پرونده هسته‌ای، برگرفته از رویکرد تلفیقی از شبه انزوگرایی - واقع‌گرایی با تأکید بر دکترین خروج بوده است.

«آهوپی» در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر راهبرد اتحادهای آمریکا در خاورمیانه و گزینه‌های محتمل در قبال ایران» (۱۳۹۶) به بررسی راهبرد ایالات متحده آمریکا در مواجهه با ایران پرداخته است. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوا به بررسی برخی اسناد تازه منتشرشده از سوی اندیشکده‌های آمریکایی پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد

دولت جدید در واشنگتن، ترکیبی از استراتژی «اقدام‌گزینشی» و «موازنه از راه دور» را در قبال ایران اتخاذ خواهد نمود. هدف مطلوب آمریکا در این مدل، توازن قدرت فرساینده میان ج.ا.ایران، ترکیه و عربستان در عین افزایش هزینه‌ها برای سایر قدرت‌های رقیب به‌ویژه چین است. لذا در دوره جدید، این اهداف از طریق تلفیقی پارادوکسیکال از حفظ حضور نظامی و ظاهر تهدیدکننده، همزمان با کاهش درگیری عملیاتی آمریکا در خاورمیانه تأمین خواهد شد.

«یزدان‌فام» در مقاله‌ای تحت عنوان «راهبرد دولت ترامپ در مورد ایران؛ اهداف و سازوکارها» (۱۳۹۶) به بررسی اهداف و راهبرد ایالات متحده آمریکا در قبال ج.ا.ایران می‌پردازد. به‌طوری که دولت ترامپ اهداف خود را به‌واسطه راهبردهایی نظیر نابودی میراث اوپاما، خروج کم‌هزینه از برجام، جلوگیری از سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و تضعیف جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی، حمایت از متحدان منطقه‌ای و دستیابی به دلارهای پادشاهی ثروتمند خلیج فارس، از طریق سازوکارهایی نظیر بازنمایی چهره اهریمنی ایران، امنیتی‌کردن ایران، فشار گسترده و مداوم بر ج.ا.ایران، تحریم‌های متعدد و غیرهسته‌ای تعقیب کرده است.

۲-۲. مبانی مفهومی و نظری پژوهش

با توجه اهمیت پژوهش، در این بخش از مقاله به منظور درک عمیق‌تر موضوع مورد بررسی، به بیان مفاهیم اساسی و چارچوب نظری پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱. راهبرد^۱

استراتژی یا راهبرد، طرح مقابله با هر حرکت ممکن از سوی دیگر بازیگران در هر مرحله از بازی است. این تعبیر از استراتژی در نظریه بازی‌ها مطرح است (مکلین، ۱۳۸۱: ۷۸۷). استراتژی یکی از موضوعاتی است که در جنگ‌های نظامی بسیار تعیین‌کننده و راهگشا بوده است.

این مفهوم از اوائل قرن بیستم در قالب عناوینی چون «استراتژی ملی» و «استراتژی بزرگ»^۱ در کنار «استراتژی فرهنگی» و «استراتژی اقتصادی» مطرح گردید. دولت‌ها می‌کوشند از استراتژی به منظور اداره‌ی سیاست خارجی، نیروهای نظامی بهره‌گیرند تا از این طریق بتوانند قدرت و اقتدار خود را بسط دهند.

۲-۲-۲. براندازی^۲ یا تغییر رژیم^۳

براندازی یا تغییر رژیم عبارت از تغییر نظام سیاسی یک کشور یا ایجاد تغییر و تحول اساسی در ارزش‌های اساسی یک نظام است. این تغییر گاهی از طریق رفتارهای خشونت‌آمیز مثل کودتا، ترور، تحمیل جنگ و... صورت می‌گیرد و گاهی از طریق مسالمت‌آمیز و با اجرای برنامه‌ای حساب‌شده و درازمدت برای نفوذ در ارکان سیاسی یک نظام قابل اجرا است (بیلنسون، ۲۰۰۲: ۷).

در این نوع از تغییر رژیم، تلاش‌هایی برای رخنه و نفوذ برای تغییر ارزش‌های مردمان یک کشور که خود این ارزش‌ها مقوله بنیادین شکل‌دهنده به فرهنگ آن ملت هستند، صورت می‌پذیرد. نتیجه هر دو اقدام منجر به تغییر نظام و در نهایت براندازی خواهد شد.

۲-۲-۳. تغییر رفتار نظام سیاسی^۵

«تغییر رفتار» در قالب فرایندی تعریف می‌شود که در قالب آن یک کشور بر اثر اجبار و یا اقناع، ادبیات و کنش سیاسی خود را دگرگون می‌کند. مطلوب این نوع از راهبرد آن است که کشور مورد نظر از اهداف ملی خود دست بردارد.

این رویکرد، قسمتی از استراتژی ایالات متحده‌ی آمریکا در مواجهه با انقلاب اسلامی ایران بوده است که با توجه به ماهیت انقلاب اسلامی ایران به معنای تغییر مسیری است که انقلاب ایران بر مبنای آن بنیان شد (سراج و اخوان، ۱۳۹۲: ۱۲).

1. Grand Strategy
2. Subversion
3. Regime change
4. Beilenson
5. Changing The Behavior Political System

۴-۲-۲. اتاق‌های فکر

اتاق‌های فکر به مراکزی گفته می‌شود که هدفشان مطالعه و تحقیقات مربوط به سیاست‌گذاری است. علاوه بر این، اتاق‌های فکر به نهادهایی اطلاق می‌شود که درصدد جمع‌آوری و سازماندهی محققان برجسته هستند که از قابلیت حضور در تحقیقات عمیق و گسترده برای ارائه راه‌حل‌ها به تصمیم‌گیران برخوردارند (اردواری^۱، ۲۰۱۳: ۲). بنابراین، اتاق‌های فکر یک مفهومی جهانی است که می‌کوشد با از بین بردن شکاف میان مردم و دولت، به‌عنوان یک عنصر اصلی و اساسی در راستای سیاست‌گذاری در تمامی کشورها عمل کند.

مؤسسات مطالعاتی به‌مثابه اتاق‌های فکر با بررسی مسائل حیاتی مرتبط با مسائل سیاسی، ارائه داده‌ها به تصمیم‌گیران تأثیرگذار هستند. این مؤسسات با بهره‌گیری از مطالعات و بررسی‌های خود، بر روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی یک کشور نقش مهمی ایفا می‌کنند.

جریان‌های نفوذ عامل دیگری هستند که در کنار اتاق‌های فکر، اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا را به چالش می‌کشد. جریان‌های نفوذ و تأثیرگذار با ورود به اتاق‌های فکر، نهادهای حقوقی، سیاسی و نفوذ در حلقه‌های فکری نخبگان تصمیم‌گیری به دنبال دستکاری اولویت‌های راهبردی و سیاست خارجی این کشور هستند (کوشکار، ۲۰۲۱: ۶۸). برخی از این اندیشکده‌ها مانند موارد زیر به‌طور اخص به سیاست خارجی می‌پردازند:

- (۱) مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی،
- (۲) موقوفه کارنگی برای صلح بین‌المللی،
- (۳) مؤسسه بروکینگز،
- (۴) شورای روابط خارجی،
- (۵) چاتم هاوس،
- (۶) مؤسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی،

(۷) گروه بین‌المللی بحران،

(۸) مؤسسه فرانسوی روابط بین‌الملل.

برخی اندیشکده‌ها ابزارهای زیادی در اختیار دارند. «موسسه رند»^۱ به تنهایی دارای بودجه سالیانه بیش از ۲۰۰ میلیون دلار و بیش از ۱۷۰۰ کارمند است. تحلیل‌های آن در مورد بازدارندگی از نوع منصرف‌سازی عقلانی تأثیر زیادی بر سیاست خارجی آمریکا در دوران جنگ سرد داشت.

هرچند اندیشکده‌ها معمولاً خود را مستقل و غیرسیاسی معرفی می‌کنند اما برخی از آن‌ها همکاری نزدیکی با احزاب سیاسی دارند. به‌عنوان مثال در سال ۱۹۷۵م. کارشناسانی که در «مؤسسه بروکینگز»^۲ کار می‌کردند، گزارشی در مورد نحوه برخورد با کشمکش اعراب و اسرائیل (که در دوره ریاست جمهوری «جرالد فورد» دچار رکود شده بود) نوشتند و این گزارش تأثیر زیادی بر جیمی کارتر گذاشت و بعداً در دولت او پذیرفته شد. گزارش رویکرد آمریکا به کشمکش مذکور را تغییر داد و بعضی از نویسندگان آن به مناصبی در دولت کارتر رسیدند (جنسهاگن^۳، ۲۰۱۴).

در آمریکا به‌عنوان خاستگاه اتاق‌های فکر مدرن، این مؤسسات مانند دروازه‌های ورود به دولت عمل می‌کنند. به‌گونه‌ای که تعدادی از کارشناسان این مؤسسات به‌عنوان مدیران اجرایی وارد قوه مجریه می‌شوند و هم مدیران سابق که تجربیاتی اجرایی دارند. این مدیران از بوته مشکلات عینی گذر کرده و درک مناسبی از مسائل دیوان‌سالاری و مشکلات نهادی دارند. شاید به همین دلیل است که برخی اتاق‌های فکر را «دولت در تقدیر»^۴ نام نهاده‌اند.

«رونالد ریگان» رئیس‌جمهور آمریکا در اوایل دهه ۸۰ قرن گذشته تیم اجرایی و فکری خود را از میان کارشناسان «بنیاد هریتیج»^۵ انتخاب کرد. درحالی‌که «بیل کلینتون»^۶ و «جرج

-
1. RAND Corporation
 2. Brookings Institution
 3. Jensehaugen, J.
 4. Government in Waiting
 5. The Heritage Foundation
 6. Bill Clinton

بوش پسر^۱ به همین منظور به ترتیب به «مؤسسه بروکینز»^۲ و «آمریکن انترپرایز»^۳ مراجعه کردند و «باراک اوباما» در پیروی از همین سنت، انتخاب تیم اجرایی خود را به رئیس «مرکز ترقی آمریکایی»^۴ سپرد (ام.سی.گان، ۲۰۰۷: ۷).

بنابر اعتقاد بسیاری از تحلیلگران، قدرتمندترین و بانفوذترین عامل خارجی که بر کاخ سفید و دولت ترامپ تأثیر می‌گذارد، «بنیاد دفاع از دموکراسی»^۶ است. این نهاد از سوی مخالفانش به‌عنوان یکی از مؤثرترین حامیان ایده‌های نئومحافظه‌کاری تلقی می‌شود. در مجموع، اتاق‌های فکر نقش بسزای در شکل‌دهی به سیاست خارجی ایالات متحدهی آمریکا از گذشته تاکنون ایفا نمودند.

۳- روش‌شناسی تحقیق

برای انجام پژوهشی حاضر از مطالعات کتابخانه‌ای و روش تحلیلی-توصیفی استفاده می‌گردد. گردآوری داده‌های اولیه از منابع مکتوب و اینترنتی انجام شده است و با دسته‌بندی داده‌های کیفی، تجزیه و تحلیل آن‌ها انجام گردید. پژوهش حاضر در تفاوت با آثار و مقالات ذکر شده در بخش پیشینه‌شناسی تحقیق، تلاش می‌کند ضمن بهره‌گیری از متون و آثار موجود، به بررسی مؤسسات و بنیادهای نزدیک به جمهوری خواهان و به‌ویژه دولت سابق ایالات متحدهی آمریکا در دوره ترامپ بپردازد که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در واقع، پژوهش‌هایی که سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا را مورد واکاوی قرار داده‌اند، عمدتاً به نقش و تأثیرگذاری کارگزاران سیاسی در فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی آمریکا اکتفا کرده و یا سیاست خارجی این کشور را بر اساس متغیرهای سیستمی نظام بین‌الملل مورد تحلیل قرار داده‌اند. اما مقاله پیش‌رو، سیاست خارجی آمریکا در دوره ترامپ را از منظر اتاق فکر و اندیشکده‌های گوناگون مورد بررسی قرار می‌دهد.

1. George H. W. Bush/Son
2. Brookings Institution
3. American Enterprise Institute
4. Center for American Progress
5. McGann, James
6. Foundation of Defense of Democracies

۴- یافته‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. دولت ترامپ و سیاست آمریکا علیه ج.ا.ایران

رویکردهای یک‌جانبه، تهاجمی و فایده‌گرایانه ترامپ بر ارزش‌ها و منافع ملی آمریکایی، به‌عنوان عوامل اصلی تأثیرگذار بر مدیریت خارجی خط‌مشی وی شناخته می‌شود (شاه‌محمدی و همکاران، ۲۰۰۹: ۱). موضع اساسی دولت ترامپ در سیاست خارجی، بازسازی ساختار روابط خارجی است؛ به‌گونه‌ای که منافع آمریکا بر اساس رویکرد قدرت و فشار به‌منظور حفظ موقعیت قوی‌تر تأمین شود (گزارش سالانه‌ی استراتژیک، ۲۰۱۹: ۱۲). در این راستا، یکی از اهداف کلیدی سیاست خارجی ترامپ در دوران انتخابات، کمپینی برای بازنشانی، تشدید و به حداکثر رساندن سیاست‌های مقابله با ج.ا.ایران بود (خان و زمان، ۲۰۱۸: ۶۵). تحریم‌ها و تهدیدات نظامی مهم‌ترین ابزار رویکرد فشار حداکثری هستند که همواره روی میز تصمیم‌گیرندگان جمهوری‌خواه و دموکرات بوده است (عباسی خوشکار، ۲۰۲۱: ۷۰).

ترامپ در طول مبارزات انتخاباتی خود به شدت از اوپاما به دلیل تجارت با ج.ا.ایران در مورد موضوع هسته‌ای انتقاد کرد که به شکل‌گیری برجام و توافق هسته‌ای بین ایران و غرب منجر شد (خان و زمان، ۲۰۱۸: ۶۶). در این زمینه اشاره کرده است:

«توافق ایران یکی از بدترین و یک‌طرفه‌ترین معاملاتی بود که ایالات متحده تا به حال داشته است. رژیم ایران مرتکب نقض متعدد توافق شده است... ایران به روح توافق عمل نمی‌کند. او با استفاده از دستکاری‌های زبانی در کلمات و عبارات، تلاش کرد تا ایده‌ها و ایدئولوژی‌های زیربنایی دولت او که مخالف این معامله بوده است را منتقل کند و شرایط ترک آن یا تغییر توافق را پدید آورد. تمام سخنرانی او بر این ایده متمرکز بود که

1. Shahmohammadi, Yosef & et.al.
2. Strategic Annual Report (2019)
3. Khan, Arif & Zaman, Nargis
4. Abbasi Khoshkar
5. Khan and Zaman

به دلیل اقدامات ج.ا.ایران و دستیابی به سلاح هسته‌ای، معامله درست نیست» (ادارنگ و فرجی^۱، ۲۰۲۱: ۳۸).

از این رو، دولت وی تهاجم غیرمعمولی در استفاده از مجموعه‌ای از ابزارها مانند قانون بازنگری کنگره و تعلیق نهایی آئین‌نامه برای خنثی کردن میراث نظارتی دولت اوباما در پیش گرفت. موضوعی که نشان‌دهنده عدم احترام دولت ترامپ به حاکمیت قانون و انحراف از قوانین اداری است (دیویس و ریوز^۲، ۲۰۲۲: ۱۱۰۰). بدین‌سان، دولت ترامپ از کاستی‌های برجای انتقاد کرد و با بازگشت به سیاست‌های قبلی که خواستار تضعیف استراتژیک ج.ا.ایران بود، در ۸ مه ۲۰۱۸ تعهدات ذیل برجام را متوقف و اعمال مجدد تمامی تحریم‌های ایالات متحده را اجرا کرد. هدف اعلام‌شده دولت ترامپ سیاست «فشار حداکثری» بر ایران این بود تا ج.ا.ایران را مجبور به تغییر رفتار، از جمله مذاکره برای توافق هسته‌ای جدید کند (کاتزمن^۳، ۲۰۲۱).

سیاست دولت ترامپ در مورد اعمال «فشار حداکثری» بر ج.ا.ایران در اواخر سال ۲۰۱۸ دو شکل اصلی داشت:

الف. تحریم‌های اضافی،

ب. اقدام نظامی محدود (توماس^۴، ۲۰۲۳: ۳).

از این منظر، خروج یک‌طرفه از توافق برجام و پیگیری استراتژی فشار حداکثری از طریق آغاز جنگ هیبریدی با ج.ا.ایران، هدفی بود که ترامپ تلاش می‌کرد تا تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی علیه ج.ا.ایران پدید آید (عباسی خوشکار^۵، ۲۰۲۱: ۷۰). در این راستا، هدف از مذاکرات مطلوب ترامپ نیز، تغییر رفتار ج.ا.ایران، همزمان در سه حوزه هسته‌ای، موشکی و نفوذ منطقه‌ای بوده است. کاتزمن به این نتیجه رسید که ترامپ با خروج خود از توافق هسته‌ای و با اعمال تحریم‌های اقتصادی شروع به مقابله با ایران کرده است (کاتزمن^۶، ۲۰۱۹).

1. Adarnag and Faraji
2. Davis, Noll; bethany, A.; and Revesz, Richard L.
3. Katzman, Kenneth
4. Thomas, Clayton
5. Abbasi Khoshkar, Amir
6. Katzman

مقامات دولت ترامپ بارها اعلام کردند که سیاست ایالات متحده، تغییر رفتار ج.ا.ایران و جلوگیری از دستیابی این کشور به سلاح هسته‌ای است، نه تغییر رژیم. اما اظهارات مقامات دولت ترامپ، به‌ویژه سخنانی پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکایی‌ها در ۲۲ ژوئیه ۲۰۱۸م، حمایت از تغییر نظام سیاسی در ج.ا.ایران را پیشنهاد کرده بود (کاتزمن^۱، ۲۰۲۱: ۱۹). همچنین، انتصاب «جان بولتون»^۲ به دفتر مشاور امنیت ملی نیز مفسران را بر آن داشت تا ادعا نمایند یکی از بزرگ‌ترین حامیان سیاست تغییر رژیم ایالات متحده، به‌ویژه در قبال ج.ا.ایران، در رأس امور آن قرار دارند. در طول دوران ریاست جمهوری وی، چندین رویارویی نظامی مرموز و متوالی بین ج.ا.ایران و ایالات متحده و متحدانش رخ داد (میرزا و نائب^۳، ۲۰۲۱: ۳۱۱). تا آنجا که اعتقاد بر آن است که ترامپ از سیاست مقابله با هدف مهار و انزوای ایران (از طریق مشروعیت خلع سلاح) پیروی کرد؛ زیرا بنا بر اعتقاد وی، ج.ا.ایران از تروریسم حمایت می‌کند و سیستم موشکی بالستیک را توسعه می‌دهد (کاتزمن، ۲۰۲۱: ۱۹).

به‌طور کل، سیاست خارجی دولت ترامپ در قبال ج.ا.ایران از سه قطب نشئت می‌گیرد.

❖ قطب اول: «مشروعیت زدایی» با تمرکز بر به‌اصطلاح کمک به تروریسم و توسعه سیستم موشکی بالستیک.

❖ قطب دوم: «تحریم» که با اعمال تحریم‌های اقتصادی بیشتر علیه ایران نمود می‌یافت.

❖ قطب سوم: «کنترل» ایران با تشویق سیاست‌های امارات و عربستان سعودی و اسرائیل (آلکارو^۴، ۲۰۱۸: ۶-۹).

بنابراین، تغییر در سیاست خارجی آمریکا در قبال ج.ا.ایران با به قدرت رسیدن ترامپ و خروج از توافق هسته‌ای، تحریم ج.ا.ایران و حمایت از جبهه عربستان، امارات و اسرائیل برای محدود کردن نقش ایران در منطقه آشکار شد.

1. Katzman, K.

2. John Bolton

3. Mirza, Muhammad Nadeem; & Nayab, Ayesha

4. Alcaro, R.

۴-۲. جایگاه اتاق فکر در تدوین استراتژی سیاست خارجی آمریکا در دولت ترامپ

با توجه به اهمیت ج.ا.ایران در سیاست خارجی آمریکا، اتاق‌های فکر با گرایش‌های مختلف سیاسی سعی دارند رهیافت‌های نظری و راهبردهای متفاوتی درباره نحوه برخورد و یا تعامل با ج.ا.ایران ارائه دهند. راهبردهای نهادهای تصمیم‌گیر آمریکایی، روند کاهش تدریجی توانمندی‌های استراتژیک ج.ا.ایران را با هدف عقب‌نشینی خودخواسته هسته‌ای تحت فشارهای آمریکا و متحدانش دنبال می‌کند. در نهایت با استفاده از روند ایجاد فشارهای مضاعف و گام‌های عقب‌نشین به دنبال تغییر ساختار حکومت ایران خواهند بود (سلیمانی^۱، ۲۰۱۶: ۵۵).

۴-۲-۱. راهبرد تغییر رفتار نظام انقلابی در ایران

راهبرد تغییر رفتار نظام انقلابی در ج.ا.ایران رویکردی است که می‌کوشد از طریق مصالحه و معامله و از طریق دیپلماتیک، ج.ا.ایران را به همکاری با کشورهای غربی متقاعد نماید. حامیان این رویکرد معتقد هستند در صورتی که ایالات متحده مداخلاتی را به منظور براندازی نظام سیاسی در ایران نماید، این امر به تقویت نظام سیاسی در ایران می‌انجامد. اعتقاد حامیان این رویکرد این است که اگر ایالات متحده آمریکا به دنبال برقراری رابطه با ایران می‌باشد باید با حکومت در ج.ا.ایران توافق نماید.

تئورسین‌های این رویکرد از برقراری گفت‌وگوهایی بین دو دولت حمایت می‌کنند و معتقدند گفت‌وگو بین ج.ا.ایران و آمریکا در راستای منافع ایالات متحده آمریکا می‌باشد و در بلندمدت این امر تأمین‌کننده منافع آمریکا علی‌الخصوص از جنبه‌ی ژئوپولیتیک خواهد بود (کریمی‌فرد و لب‌خنده، ۱۳۹۵: ۷۰).

۴-۲-۲. راهبرد تغییر نظام سیاسی در ج.ا.ایران

دنبال کردن سیاست تغییر نظام سیاسی در ج.ا.ایران از سوی دولت ایالات متحده آمریکا دارای سابقه‌ی طولانی می‌باشد. کودتای دولت محمد مصدق توسط انگلستان و با همراهی آمریکا نمونه و مصداق بارز دنبال نمودن این سیاست در ایران است. این موضوع از سال

۱۳۵۷ و با پیروزی انقلاب اسلامی بدل به یک موضوع رایج و عادی در سیاست‌های این کشور در قبال ایران گردید (موسویان^۱، ۲۰۱۶).

معتقدان به این رویکرد بر این باور هستند الگوهای رفتاری ایران در منطقه که نشئت‌گرفته از باورهای ایدئولوژیک می‌باشد، بسیار عمیق‌تر از آن است که بتوان آن را از طریق فشارهای سیاسی و اقتصادی تغییر داد. از دیدگاه این گروه، تا زمانی که بنیان‌های هویتی و ارزشی در ایران تغییر پیدا نکند، این رفتارها تداوم خواهد یافت. از این‌رو، تنها تغییر نظام سیاسی در کشور ایران می‌تواند این تهدید را از بین ببرد (کاتزمن^۲، ۲۰۰۵: ۲۲۴). در این راستا و با آغاز دهه‌ی پنجم انقلاب اسلامی، اندیشکده‌های مختلف گزینه‌های راهبردی گوناگونی را برای راهبری سیاست خارجی و تدوین استراتژی امنیت ملی این کشور در دولت جدید این کشور مطرح ساخته‌اند که بعضاً دارای رویکردهای کاملاً متفاوت و حتی متضاد با یکدیگر هستند. تشخیص این‌که دولت دونالد ترامپ به کدام یک از نسخه‌ها عمل می‌کرد، به بررسی اندیشکده‌های نزدیک به دولت ترامپ نیاز دارد. برای این منظور و البته برای رعایت جامعیت در عین اختصار، مؤسسه بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، بنیاد هریتج و مؤسسه‌ی مطالعاتی آمریکن اینترپرایز که در سه سال گذشته به‌عنوان تأثیرگذارترین مؤسساتی که در نقش اتاق‌های فکر، اثر بسزایی در شکل‌گیری راهبرد ایالات متحده در قبال ایران که به‌طور واضح خود را در موضوع برجام نشان داد، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

دلیل انتخاب اندیشکده‌های مذکور به این قرار است که تقریباً تمامی اندیشمندان و محققان این حوزه معتقد هستند، بانفوذترین عامل خارجی که بر کاخ سفید و دولت ترامپ تأثیر می‌گذشت، این سه اندیشکده بود. در ادامه به‌صورت مختصر و برای جامعیت امر، به برخی از دیدگاه‌های مؤسسات و یا اندیشکده‌های نزدیک به محافل نومحافظه‌کار که نقش بسزایی در هم‌افزایی راهبرد پیشنهادی این مؤسسات داشته‌اند، اشاره گردید. گزارش‌های

1. Mousavian, H.

2. Katzman

راهبردی این اندیشکده‌ها که از محافل نزدیک به نیروهای محافظه‌کار و نومحافظه‌کار در ایالات متحده می‌باشند، راهبرد دولت ترامپ را در مواجهه با ج.ا.ایران آشکارتر می‌سازد.

۱-۲-۲-۴. بنیاد دفاع از دموکراسی

«گیگلیو» اذعان داشته است: «در صورتی که مایل بدان هستیید تا بدانید دولت ترامپ چه اقدام بعدی در قبال ایران انجام خواهد داد، می‌توانید بر سر این موضوع شرط نمایید که آیا این امر در یادداشت اخیر دوبوویتز و یا بنیاد دفاع از دموکراسی آمده است یا خیر». بنیاد دفاع از دموکراسی یکی از نهادهای و یا اتاق‌های تأثیرگذار بر تدوین راهبرد ترامپ علیه ج.ا.ایران است. مؤسسه‌ای که از سوی سرمایه‌داران یهودی که به «حزب لیکود»^۱ وابستگی دارند به لحاظ مالی حمایت می‌شوند و از رویکرد تغییر رژیم سیاسی در ج.ا.ایران حمایت می‌کند. راهبرد آنان برای تغییر نظام سیاسی در ایران، اعمال تحریم و ترغیب آمریکا برای یک جنگ تمام‌عیار با ایران می‌باشد.

«مارک دوبوویتز»^۲ مدیر اجرایی بنیاد دفاع از دموکراسی است. او با این استدلال که راهبرد تغییر رفتار ج.ا.ایران از سوی دولت‌های پیشین با شکست مواجه شده است، بر راهبرد «فشار حداکثری»^۳ به منظور محاصره همه‌جانبه‌ی ایران و انزوای ج.ا.ایران در صحنه‌ی جهانی از سوی دولت ترامپ تأکید می‌نمود (دوبوویتز، ۲۰۱۸). او به دولت ترامپ توصیه می‌نمود تا از طرح ریگان در مواجهه با شوروی که دربرگیرنده‌ی جنگ اقتصادی، پشتیبانی از نیروهای مخالف ضد شوروی و تضعیف مشروعیت ایدئولوژیک رژیم بود، بهره‌گیرد (دوبوویتز، ۲۰۱۹).

در نشست تحت عنوان «چالش‌های منطقه‌ای و هسته‌ای و نیابتی ایران» که در سال ۲۰۱۷م. در بنیاد هریج برگزار گردید، دوبوویتز صریحاً اعلام نمود: «همان کاری که ریگان در برخورد با شوروی کمونیست انجام داد، ترامپ باید در برخورد با ایران انجام دهد». او در این نشست اعلام نمود: «ایالات متحده آمریکا باید از برجام فاصله‌گیرد و به سمت

1. Likud Party

2. Mark Dubowitz

3. Maximum Pressure

4. Dubowitz

ضربه زدن و کاهش نفوذ منطقه‌ای و جهانی ایران حرکت نماید». او در این نشست اعلام نمود، ایران در ده سال آینده بر مبنای تعهداتی که ان.پی.تی به ایران داده است برنامه هسته‌ای در قالب طرح‌های صنعتی خواهد داشت که در آن سانتریفیوژهای پیشرفته کار می‌کنند و موشک‌های بالستیک ایران نیز تأمین مالی می‌گردند و سلطه‌ی جهانی و منطقه‌ای ایران تثبیت خواهد شد» (هریتج^۱، ۲۰۱۷: ۳).

«مارک گرچت»^۲ یکی دیگر از پژوهشگران در بنیاد دفاع از دموکراسی، یادداشتی در مجله‌ی «آتلانتیک»^۳ منتشر می‌نماید و به انتقاد از توافق هسته‌ای ایران با آمریکا می‌پردازد و آن را فرصتی برای ایران می‌داند. در این یادداشت آمده است:

«بیباید رژیم ایران را از بین ببریم. رژیم ایران از تضادهایی رنج می‌برد که همین تضادها باعث سقوط شوروی گردید» (گرچت^۴، ۲۰۱۸: ۴).

او در همین یادداشت از سیاست تنش‌زدایی دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان میانه‌رو انتقاد می‌کند و «فروپاشی شوروی را محصول افرادی نظیر یگان و هنری جکسون می‌داند و نه هنری کیسینجر و کارتری‌ها» (همان: ۴). «مایکل لدین»^۵ نیز به‌عنوان یکی از پژوهشگران برجسته‌ی این مؤسسه^۶ در یادداشتی در سال ۲۰۱۵م. می‌نویسد:

«امکان اینکه سیاست تغییر رژیم به‌صورت غیرخشنوت‌آمیز در ایران محقق شود، بیشتر از شوروی دوره‌ی گورباچف می‌باشد؛ زیرا شوروی یک دولت ابرقدرت بود اما دولت ایران یک دولت ابرقدرت نمی‌باشد، مضافاً رژیم شوروی به سلاح هسته‌ای مجهز بود اما رژیم ایران از آن بی‌بهره می‌باشد» (لدین، ۲۰۱۵).

بررسی پیشنهاد‌های راهبردی بنیاد دفاع از دموکراسی و مقایسه‌ی آن با عملکرد دولت ترامپ در قبال ج.ا.ایران، مؤید این امر می‌باشد که بین اقدامات دولت ترامپ و توصیه‌های

1. The Heritage Foundation, August

2. Reuel Marc Gerecht

3. Atlantic

4. Gerecht

5. Michael Ledeen

۶. مایکل فلین، نخستین مشاور امنیت ملی ترامپ کمی پیش از انتخابات ۲۰۱۶ کتابی نوشته بود. لدین که یکی از رفقای نومحافظه‌کار اوست، مرتباً در این کتاب مدعی می‌شد ایالات متحده باید ابتدا به ایران حمله می‌کرد نه عراق.

راهبردی بنیاد دفاع از دموکراسی در قبال ایران یک رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. به‌گونه‌ای که می‌توان نشانه‌های آن را به وضوح در واژه‌ها و مفاهیمی که ترامپ و اعضای کابینه‌ی او در قبال ایران به کار می‌برند، مشاهده نمود. علاوه بر این، دویویتز نقش مهمی را در تدوین گزارش‌هایی که از سوی گروه اقدام ایران به ریاست «برایان هوک» ارائه می‌گردید، ایفا می‌نمود (هریس^۱، ۲۰۱۸).

در رویکرد فشار حداکثری، ترامپ و پمپئو در مرکز پیشبرد این استراتژی قرار داشتند و بنیاد دفاع از دموکراسی که به دولت‌های مختلف، به‌ویژه جمهوری‌خواهان کاخ سفید در زمینه کنترل تسلیحات و کنترل اقتصادی ج.ا.ایران مشاوره داده است، نقش نظریه‌پرداز را ایفا کرد (خوشکار، ۲۰۲۱: ۶۹). از این رو، بررسی عملکرد دولت گذشته‌ی آمریکا در دوره‌ی دونالد ترامپ و توصیه‌های راهبردی ارائه‌شده از سوی بنیاد دفاع از دموکراسی، بیانگر یک نوع همبستگی مثبت میان توصیه‌های بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها و سیاست‌های خصمانه‌ی دولت آمریکا علیه ج.ا.ایران می‌باشد. ایالات متحده‌ی آمریکا به دقت راهبرد این بنیاد در مورد ایران را به مرحله‌ی اجرا می‌گذاشت.

۲-۲-۲-۴. مؤسسه مطالعاتی اینترپرایز

یکی دیگر از مؤسساتی که با آغاز دهه‌ی پنجم انقلاب اسلامی نقش مهمی در جهت‌دهی استراتژی امنیت ملی و سیاست خارجی ترامپ داشت، مؤسسه‌ی مطالعاتی اینترپرایز است. «رابرت کگان» از اعضای برجسته این مؤسسه در یادداشتی که در مجله «کامنتری» تحت عنوان «آیا می‌توانیم استراتژی پیروزی را در برابر ایران در پیش بگیریم»، نوشت:

«راهبرد همراه با پیروزی، بدون آن‌که فروپاشی یکباره حکومت در ایران را به همراه داشته باشد، نیازهای امنیتی ایالات متحده را بهتر تأمین خواهد نمود. این امر امکان‌پذیر است. از این رو، منزوی نمودن ایران از سرمایه‌گذاری خارجی و مجبور نمودن آن به این‌که بر کنترل مردم خود تمرکز نماید، دستاورد چشم‌گیری به همراه خواهد داشت که می‌تواند آرایش خاورمیانه را تغییر دهد» (کگان^۲، ۲۰۱۸).

1. Harris, Gardiner
2. Kagan, Frederick W.

کگان در همین یادداشت، به دولت ایالات متحده پیشنهاد می‌کند:

(۱) بین ج.ا.ایران و حامیان خارجی‌اش شکاف ایجاد نماید،

(۲) دسترسی ایران به منابع برون‌مرزی را قطع کند،

(۳) شکست‌هایی را بر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در برخی از نقاط مهم منطقه‌ای

نظیر عراق و سوریه تحمیل کند و روایت سپاه نزد حامیان داخلی‌اش را بی‌اعتبار

سازد،

(۴) در مسیر ج.ا.ایران برای دستیابی به موادی که در سایت‌های هسته‌ای به‌کار

می‌روند، اختلال ایجاد نماید،

(۵) اختلافات در درون رژیم پیرامون سیاست‌های منطقه‌ای ایران را تشدید بخشد، و

(۶) از فرصت انتقال رهبری در ایران استفاده نماید (کگان، ۲۰۱۸).

در همین یادداشت، سوریه را به افغانستان و عراق را به لهستان، برای ایران در نظر

می‌گیرد که در سقوط شوروی مؤثر بود. او معتقد بود، هر نوع طرح بلندمدت در قبال

ج.ا.ایران باید مبتنی بر اجماع میان متحدان آمریکا باشد و در این راستا لازم است روسیه و

چین را نیز از حمایت از ج.ا.ایران بازدارد تا بتواند از توسعه برنامه‌ی هسته‌ای ایران

جلوگیری نماید و ج.ا.ایران را وادار کند برای حفظ موقعیت خود در عراق و سوریه وارد

یک جنگ سخت شود و همزمان از هر روشی برای فشار به اقتصاد ایران بهره‌گیرد، تا

ج.ا.ایران را وادار نماید در استراتژی برون‌مرزی خود تجدیدنظر نماید و مجبور به

عقب‌نشینی به درون مرزهای خود گردد (کگان، ۲۰۱۸).

بررسی توصیه‌های راهبردی مؤسسه‌ی اینترپرایز و علی‌الخصوص رابرت کگان در مورد

ج.ا.ایران از جمله توصیه‌های کگان در مورد عراق، سوریه، لبنان و نیز تحولات رخ داده در

این سه کشور (اعتراضات عراق و لبنان و خروج آمریکا از ادلب و حمله‌ی ترکیه به کردها

و اختلافاتی که بین ایران و ترکیه در این زمینه به وجود آمده بود) نشان‌دهنده‌ی شکل‌گیری

توطئه‌هایی علیه ج.ا.ایران در این کشورها از سوی ایالات متحده‌ی آمریکا است که به

خوبی بیانگر دنباله‌روی ایالات متحده‌ی آمریکا از راهبرد پیشنهادی این مؤسسه در خصوص ایران که هدف نهائی آن تغییر رژیم در ایران می‌باشد، است.

۳-۲-۲-۴. بنیاد هریتیج

بنیاد هریتیج در کنار بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، بازوهای فکری نومحافظه‌کاران آمریکایی در کنار سرمایه‌دارانی پرنفوذ، حامیان فکری و مالی پروژه ضد ایرانی کاخ سفید هستند که در سال‌های اخیر با نفوذ در کاخ سفید، پنتاگون و کنگره، نقش مهمی در خروج آمریکا از برجام و تحریم نهادهایی چون سپاه و اخیراً نهاد رهبری ایفا نمود. رصد سیاست‌های ایالات متحده‌ی آمریکا در برابر ج.ا.ایران مؤید این موضوع می‌باشد، غاطبه‌ی سیاست خارجی آمریکا در دولت ترامپ که عمدتاً دربرگیرنده‌ی تحریم و مذاکره می‌باشد، ریشه در توصیه‌های راهبردی این دو اتاق فکر یعنی بنیاد هریتیج و بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها دارد.

پیش از خروج ایالات متحده‌ی آمریکا از برجام، بنیاد هریتیج در گزارشی تحت عنوان «پیامدهای خطرناک منطقه‌ای توافق هسته‌ای ایران»، به انتقاد از سیاست‌های باراک اوباما در قبال ایران پرداخت و اعلام کرد ایالات متحده‌ی آمریکا به سیاست جدیدی در قبال ایران نیاز دارد: «آمریکا باید به این تشخیص برسد که ایران قدرتی تجدیدنظرطلب و مخالف وضع موجود است که مصمم به سنگین کردن کفه ترازوی موازنه قدرت منطقه‌ای به سمت خود و تغییر شکل خاورمیانه در راستای سلطه خود بر خلیج فارس و مناطق مجاور آن است. این حکومت ممکن است متخاصم‌تر و سلطه‌جوتر شود، به‌ویژه اگر مقاومتی از واشنگتن و متحدانش در برابر خود نبیند. واشنگتن باید:

- (۱) خطوط قرمز روشنی ترسیم و بر اجرای آن‌ها تأکید کند؛
- (۲) نیروهای نظامی ایالات متحده را تقویت و حضور آن‌ها در منطقه برای جلوگیری از گسترش تسلیحات هسته‌ای و تجاوزات منطقه‌ای را حفظ نماید؛
- (۳) روابط با متحدان خود را ترمیم و بنیه دفاعی آن‌ها را تقویت نماید؛
- (۴) دفاع موشکی را تقویت نماید؛
- (۵) تحریم‌های بیشتری به دلیل تروریسم، آزمایش موشک‌های بالستیک و نقض حقوق بشر بر ج.ا.ایران اعمال نماید؛

(۶) علاوه بر مجازات تهران به دلیل سیاست‌های خصمانه‌اش، آمریکا و هم‌پیمانانش باید متحدان ج.ا.ایران به‌ویژه حزب‌الله را که ابزار ایران در عملیات‌های تروریستی و دخالت‌های آن در لبنان، سوریه و عراق محسوب می‌شود، مجازات نمایند.

بنیاد هریتیج همواره پیشنهادهای اجرایی بسیاری در زمینه مقابله با تهدیدات ج.ا.ایران علیه آمریکا به ترامپ ارائه کرده است. بین ادبیات بنیاد هریتیج درباره ایران و ادبیات سیاسی دونالد ترامپ درباره ایران شباهت‌های قابل توجهی وجود دارد. به‌طوری‌که، این اندیشکده با ۳۸ پیشنهاد تأثیرگذار، تأثیرگذارترین پایه در سیاست خارجی ترامپ است (خوشکار، ۲۰۲۱: ۷۱). «مایک پمپئو» در سخنرانی‌اش در بنیاد هریتیج در سال ۲۰۱۸ م. تحت عنوان «پس از توافق: یک راهبرد تازه در مورد ایران»^۱ به بیان راهبرد ایالات متحده آمریکا در قبال ج.ا.ایران پرداخت. سخنرانی که دربرگیرنده‌ی شروط دوازده‌گانه در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران بود:

- (۱) ج.ا.ایران تمامی جنبه‌های فعالیت‌های هسته‌ای پیشین خود را به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام نماید؛
- (۲) غنی‌سازی اورانیوم در ایران خاتمه یابد و فراوری در زمینه‌ی پلوتونیوم صورت نگیرد؛
- (۳) آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حق دسترسی به تمامی تأسیسات نظامی و غیرنظامی ج.ا.ایران را داشته باشد؛
- (۴) خطوط تولید موشک‌های بالستیک در ایران تعطیل گردد و از تولید موشک‌هایی که امکان حمل سلاح هسته‌ای را دارند، جلوگیری شود؛
- (۵) تمامی شهروندان آمریکایی که در ج.ا.ایران دستگیر و زندانی شدند، آزاد گردند؛
- (۶) ج.ا.ایران دست از حمایت خود از گروه‌های مقاومت در خاورمیانه نظیر حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی بردارد؛

(۷) از استقلال عراق حمایت کند، و مانع انحلال و خلع سلاح گروه‌های شبه‌نظامی شیعه نگردد؛

(۸) ج.ا.ایران از حمایت خود از حوثی‌ها در یمن دست بردارد و از راهبرد صلح‌آمیز در این کشور به منظور پایان دادن به درگیری‌ها حمایت نماید؛

(۹) ج.ا.ایران تمامی نیروهای تحت فرمان خود را از سوریه خارج کند؛

(۱۰) ج.ا.ایران دست از حمایت خود از طالبان بردارد و به رهبران القاعده در ایران پناه ندهد؛

(۱۱) سپاه پاسداران ایران از آموزش و حمایت گروه‌های مقاومت در منطقه، امتناع نماید؛

(۱۲) ج.ا.ایران باید به رفتارهای خود که تهدیدی برای همسایگانش می‌باشد، پایان دهد. این شرط همچنین شامل تهدید کشتیرانی بین‌المللی و حملات سایبری مخرب می‌شود (پمپئو^۱، ۲۰۱۸).

سخنرانی مایک پمپئو در قالب شروط دوازده‌گانه در مذاکره با ج.ا.ایران در بنیاد هریتیج حاکی از راهبرد جدید آمریکا در قبال ج.ا.ایران و تأثیرگذاری این اندیشکده نومحافظه‌کار بر افکار سیاستمداران دولت جدید آمریکا بود. به‌گونه‌ای که وی پیش از آغاز سخنرانی‌اش در بنیاد هریتیج گفت: «این مؤسسه ذهن من را درباره سیاست شکل داده است» (همان). به همین دلیل است که وزیر امور خارجه آمریکا این اندیشکده را برای اعلام مواضع ایالات متحده در مورد ج.ا.ایران اعلام کرد.

دو ماه بعد از اعلام شروط دوازده‌گانه پمپئو در بنیاد هریتیج وی در همایش دیگری تحت عنوان «پشتیبانی از صدای ایرانیان»^۲ که به دعوت از بنیاد هریتیج در شمال کالیفرنیا و با حضور ایرانیان مقیم ایالات متحده برگزار شد به تکرار خواسته‌های ایالات متحده‌ی آمریکا پرداخت و تلویحاً خطاب به حضار که متفقاً خواستار تغییر رژیم ج.ا.ایران بودند گفت:

«آرزوی دولت ترامپ همان آرزویی است که شما برای مردم ایران دارید، آرزویی که با تکیه بر نیروی الهی روزی به حقیقت خواهد پیوست»^۱ (پمپئو، ۲۰۱۸).

بنیاد هریتیج به وضوح در توصیه‌های راهبردی که عمدتاً به صورت گزارش ارائه می‌شود بر راهبرد تغییر رژیم در ج.ا.ایران تأکید می‌کند و معتقد است تغییر رژیم در ج.ا.ایران کلید ثبات و امنیت در منطقه‌ی خاورمیانه می‌باشد. در این راستا، بنیاد مذکور علاوه بر «جنگ پیش‌دستانه» علیه ایران، تغییر رژیم از درون را به دولت ترامپ توصیه می‌کند.

در این اندیشکده، اعتراضات داخلی توسط مردم ایران به دقت رصد می‌شد. کارشناسان بنیاد هریتیج تلاش برای تحریم نفتی ایران به منظور تحریک مردم به فشارهای اقتصادی را تبیین می‌نمودند.

از دیدگاه «تئودور بروموند»^۲ رئیس این اندیشکده نئومحافظه‌کار^۳، راهبرد ترامپ «تحمیل هزینه»^۴ بر ایران است. از نظر بروموند، ج.ا.ایران در تأمین منابع با مشکل روبروست و این توان را نخواهد داشت تا همواره هزینه‌های سیاست‌های منطقه‌ای خود را تأمین نماید. وی اعتقاد داشت؛

افزایش هزینه‌های اقدامات ج.ا.ایران، بهترین استراتژی راهبردی برای دولت ترامپ می‌باشد که می‌تواند ایران را به سرنوشتی مانند شوروی دچار نماید (بروموند، ۲۰۱۸).

علاوه بر سه اندیشکده‌ی ذکر شده در بالا که از آنها به عنوان محافل نزدیک به دولت ترامپ در مواجهه با ج.ا.ایران یاد می‌شد، می‌توان به صورت مختصر به راهبردهای پیشنهادی برخی دیگر از اندیشکده‌ها یا همان اتاق‌های فکر نئومحافظه‌کار اشاره کرد که دارای تأثیر بودند:

(۱) مؤسسه بروکینگز،

(۲) نهاد هوور،

۱. این سخنرانی پر از متغیرهای حاشیه‌ای نمادین بود؛ از جمله اینکه محل سخنرانی، کتابخانه‌ی «رونالد ریگان» بود.

2. Theodore R. Bremond Pompeo

3. Neo-Conservative

4. Cost imposition

5. Broumund, Theodore R.

(۳) مرکز سیاست دو حزبی،

(۴) مؤسسه یهودی امنیت ملی آمریکا.

۴-۲-۲-۴. مؤسسه بروکینگز

مؤسسه تحقیقاتی بروکینگز، یکی از مؤسسات فعال آمریکا در رابطه با مسائل ایران و به‌ویژه پرونده هسته‌ای ج.ا.ایران است. این مؤسسه اساسی‌ترین راهبردهای خود را مبتنی بر برقراری ارتباط در سطوح مختلف با هدف نفوذ در لایه‌های تصمیم‌گیری حکومت در ج.ا.ایران ارائه کرده است. در بخشی از گزارش پیشنهادی مؤسسه بروکینگز با عنوان «نقشه راه برای همزیستی» می‌توان شاهد سیاست جدید آمریکا در قبال ج.ا.ایران بود. در این پیشنهاد، این مؤسسه از دولت آمریکا خواسته است که گزینه چهارم را از میان گزینه‌های تغییر رژیم، حمله نظامی، انزوا و ایجاد رابطه بررسی کند (سلیمانی، ۲۰۱۶: ۶۲).

«رابرت آینهورن» یک فرد فعال در زمینه کنترل تسلیحات و عضو مرکز امنیت قرن بیست‌ویکم و همچنین یکی از نویسندگان مؤسسه بروکینگز در رابطه با تأثیر توافق در مذاکرات هسته‌ای آمریکا و متحدانش با ج.ا.ایران تأکید می‌نماید مقامات ارشد دولت اوپاما معتقدند فشارها نمی‌توانند تأثیر زیادی بر نتیجه مذاکرات داشته باشند. اما آنچه اهمیت دارد این است که اگرچه توافق نمی‌تواند قدرت غنی‌سازی ج.ا.ایران را متوقف کند اما می‌تواند از رشد سریع ظرفیت‌های هسته‌ای ج.ا.ایران جلوگیری کند. این توافق می‌تواند تهدید تولید پلوتونیوم در راکتور اراک را تضعیف کند و دسترسی به نظارت‌های گسترده و سیستماتیک را فراهم کند. از این‌رو نفوذ در لایه‌های تصمیم‌گیری ایران و تأثیرگذاری همزمان بر افراد تأثیرگذار در مناصب مختلف و همچنین حفظ فشارها بر ج.ا.ایران با هدف عقب‌نشینی هسته‌ای و در نهایت تغییر ماهیت نظام (تحول سیاسی - فرهنگی) از مهم‌ترین موارد است (سلیمانی، ۲۰۱۶: ۴) تا آنجا که این مؤسسه، رویکرد رویارویی و مقابله با جمهوری اسلامی را به دولت ترامپ پیشنهاد می‌نمود.

«کنت پولاک»^۱ که در این پژوهشکده به‌عنوان کارشناس مسائل ایران مشغول بود، بر این عقیده بود که راهبردی که آشکارا بر تغییر نظام سیاسی در ج.ا.ایران مبتنی باشد، دارای

هزینه‌ی بسیار زیادی می‌باشد. از این رو، اگر حاکمان ج.ا.ایران به این جمع‌بندی برسند که ایالات متحده خواستار آن می‌باشد که نظام سیاسی در ج.ا.ایران را تغییر دهد، مقاومت خواهند نمود و حتی ممکن است به منافع ایالات متحده‌ی آمریکا آسیب وارد نمایند. علی‌رغم این امر، باید از موضوع تغییر رژیم در ج.ا.ایران به‌عنوان یک ابزار بازدارنده، بهره‌جست تا به رهبران ایران نشان داد که از این توانایی و ظرفیت به منظور ایجاد ناامنی در داخل ایران برخوردار می‌باشند (پولاک، ۲۰۱۸).

۵-۲-۲-۴. مؤسسه امنیت ملی آمریکا

«مؤسسه یهودی امنیت ملی آمریکا»^۱ از دیگر مراکز مهم و تأثیرگذار در ایالات متحده‌ی آمریکا می‌باشد که در زمینه‌ی تدوین سیاست‌های دفاعی ایالات متحده‌ی آمریکا نقش مهمی را ایفا می‌نماید. این مؤسسه دفاع از رژیم صهیونیستی را همسو با امنیت ملی آمریکا می‌داند. این مؤسسه کنار گذاشتن برجام از سوی دولت ترامپ را شروع یک رخداد برای تغییر نظام سیاسی در ج.ا.ایران می‌داند. توصیه این بنیاد، در پیش گرفتن یک راهبرد جامع که بر اساس آن ایالات متحده‌ی آمریکا با اعمال یک فشار حداکثری در حوزه‌های اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک بتواند تهدیدات ایران را ریشه‌کن نماید، بود.

علاوه بر این، مؤسسه به دولت ترامپ پیشنهاد می‌نمود تا با فروش تجهیزات نظامی به عربستان و امارات متحده‌ی عربی و تقویت روابط نظامی با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس و ایجاد سامانه‌های پدافندی به منظور دفاع از حملات موشکی ایران و نیز تحریم‌های اقتصادی به منزوی ساختن و کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران در منطقه و علی‌الخصوص در عراق و سوریه و نیز دامن زدن به نارضایتی مردم در داخل کشور بپردازد (ادلان و همکاران^۲، ۲۰۱۸: ۱-۱۶).

این مؤسسه در تحلیل موضوع هسته‌ای ج.ا.ایران به پیامدهای ایران هسته‌ای پرداخته و این موضوع را به تولید سلاح‌های هسته‌ای مرتبط می‌کند. در این راستا، محققان این

1. The Jewish Institute for National Security of America (JINSA)

2. Edelman, Eric; Wald, Charles & Others

مؤسسه، توصیه‌هایی را به مقامات آمریکایی ارائه می‌کنند. آن‌ها در گزارشی با عنوان «ریسک و رقابت به‌عنوان بخشی از یک پروژه یک‌ساله» نیز موضوع هسته‌ای ایران را مورد بررسی قرار داده و تأکید کرده‌اند؛ ایران مجهز به سلاح هسته‌ای، قدرت قابل توجهی برای به چالش کشیدن منافع آمریکا و اسرائیل خواهد داشت. بنابراین، جلوگیری از دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای باید در اولویت آمریکا و اسرائیل باقی بماند. با ادامه ترکیب فشار و دیپلماسی کنونی، همه گزینه‌ها از جمله پیشگیری با استفاده از اقدام نظامی باید روی میز باقی بماند. بنابراین، ایالات متحده و اسرائیل باید اقداماتی را انجام دهند (سلیمانی، ۲۰۱۶: ۶۵).

بررسی اتاق‌های فکر منسوب به محافظه‌کاران و علی‌الخصوص دولت ترامپ، مؤید این موضوع می‌باشد که راهبرد تغییر رژیم در ج.ا.ایران علی‌رغم یک نوع گسست در دوران باراک اوباما که عمدتاً بر تغییر رفتار ایران تأکید می‌نمود، به راهبرد اساسی این کشور در زمان دونالد ترامپ تبدیل شده بود. به‌گونه‌ای که شاهد یک نوع همبستگی میان توصیه‌های راهبردی این مؤسسات و اندیشکده‌ها و سیاست‌های اجرایی دولت جدید آمریکا بودیم. علاوه بر این، پیشینه‌ی اعضای دولت ترامپ نیز حاکی از چنین حامیان راهبرد تغییر نظام سیاسی در ایران بود. با این مضمون که «اعضای کلیدی کابینه ترامپ، عمدتاً مخالف ایران، مخالف برجام و حامی تغییر نظام سیاسی در ایران بودند» (موسویان، ۲۰۱۶).

پمپئو زمانی که به‌عنوان رئیس سازمان سیا در آمریکا مشغول بود، در کنگره‌ی این کشور حمایت علنی خود را از تغییر حکومت در ایران اعلام نمود و گفت: برای کنار گذاشتن برجام بی‌تابی می‌کند^۱ (دایر، ۲۰۱۶).

مایکل فلین^۳ که نخستین بار در دولت ترامپ به‌عنوان مشاور امنیت ملی برگزیده شده بود، راهبرد تغییر نظام سیاسی در ایران را بهترین راهبرد در برخورد با ایران می‌دانست و ایران را دشمنی اعلام نمود که سال‌ها با ایالات متحده و متحدانش در جنگ می‌باشد. او در

۱. مایک پومپئو از دولت اوباما به خاطر مذاکره با تهران انتقاد کرده و در مقابل پیشنهاد داده بود، ایران را با ۲۰۰۰ بمب مورد یورش قرار دهند.

2. Dyer

3. Michael T. Flynn

کتاب خود تحت عنوان «صحنه‌ی جنگ» دو رئیس‌جمهور آمریکا یعنی کارتر و اوپاما را به‌خاطر حمایت نکردن از شاه و معامله هسته‌ای با ایران مورد شماتت قرار می‌دهد (موسویان، ۲۰۱۶).

«جیمز متیس»^۱ که به‌عنوان نخستین وزیر دفاع دولت ترامپ مشغول بود، همواره در شعارهای خود، ایران را تهدید اصلی آمریکا می‌دانست. او عقیده داشت؛ در بین تهدیداتی که علیه امنیت ملی آمریکا وجود دارد، هیچ تهدیدی به اندازه‌ی ایران برای ایالات متحده‌ی آمریکا در خاورمیانه جدی‌تر نمی‌باشد (معصومی، ۱۳۹۵: ۱۰). ترامپ معتقد بود که «ایران قبل از برجام در اثر تحریم‌ها در بدترین شرایط قرار داشت و عملاً به کنج دیوار برده شده بود، اما اوپاما اشتباه کرد و به‌جای این‌که گلوی ایران را بگیرد و آن را خفه کند، دست آن را گرفت و ایران را از کنج دیوار بلند و از نابودی حتمی نجات داد» (یزدان فام، ۱۳۹۶: ۱۸۲).

مجموع این عوامل ما را به این استنباط نظری می‌رساند که استراتژی ایالات متحده در آغاز دهه‌ی پنجم انقلاب اسلامی علی‌رغم سیاست اعلامی آن مبنی بر تغییر رفتار نظام سیاسی در ایران، تغییر رژیم است. نزدیک‌ترین اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر نزدیک به دولت ترامپ و مشاوران آن، مدت‌ها از تغییر رژیم حمایت کرده‌اند و معتقد هستند بهترین رویکرد در قبال ایران، ترکیبی از تحریم‌ها، حمایت از گروه‌های مخالف و مداخله نظامی است. بنابراین اگرچه ایالات متحده آمریکا در دوره‌ی ترامپ در گفتار بر سیاست تغییر رفتار ج.ا.ایران تأکید می‌نمود اما راهبردهای توصیه‌شده از سوی اندیشکده‌ها و شروط مطرح‌شده از سوی پمپئو و مشاوران نزدیک به دولت و مغزهای پشت پرده سیاست مرتبط با ایران در کاخ سفید که شامل بسیاری از قهرمانان حمله پیشگیرانه سال ۲۰۰۳ م. به عراق بود، این نکته را در ذهن متبادر می‌ساخت آنچه را که ایالات متحده دنبال می‌نمود، چیزی فراتر از تغییر رفتار ج.ا.ایران است که در نگاه حداقلی به معنای دست برداشتن از بسیاری از اهداف انقلاب است که با موجودیت، هویت و بقای ج.ا.ایران پیوند خورده است.

۵. نتیجه‌گیری

با گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی سیاست‌های خصمانه‌ی این کشور علیه جمهوری اسلامی با شدت و حدت متفاوتی تداوم داشته است. براین اساس، راهبردهای آمریکا در طول این دهه‌ها به تناسب شرایط عوض شده و آرایش میدانی بر اساس آن راهبرد تعیین گردیده است. با آغاز دهه‌ی پنجم انقلاب اسلامی که همزمان با روی کار آمدن دولت ترامپ در این کشور بود، ایالات متحده آمریکا کارزار گسترده‌ای علیه ج.ا.ایران در قالب فشار حداکثری آغاز نمود و هدف خود از آن را تغییر رفتار ایران اعلام کرد. موضوعی که از سوی بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی با تردیدهای اساسی مواجه شد. اینکه در پس‌زمینه راهبرد اعلامی این کشور علیه ج.ا.ایران، استراتژی دیگری وجود داشت که از سوی این کشور در عمل دنبال می‌شود، موضوعی بود که این پژوهش درصدد پاسخ‌بدان بوده است. برای پاسخ به این پرسش، توصیه‌های راهبردی اتاق‌های فکر منسوب به دولت ترامپ در این کشور مورد بررسی قرار گرفت. بررسی اتاق‌های فکر نزدیک به جمهوری‌خواهان و نیز محافل نزدیک به دولت ترامپ ما را به این نتیجه رساند که در دهه‌ی پنجم انقلاب اسلامی، راهبرد این کشور برخلاف مواضع اعلامی آنان مبنی بر تغییر رفتار جمهوری اسلامی، تغییر رژیم در ج.ا.ایران بود. برخلاف آنچه که دولتمردان این کشور مبنی بر فشار حداکثری به منظور تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران بیان می‌نمودند، تحقق شروط دوازده‌گانه‌ی مایک پمپئو، وزیر خارجه این کشور که در بنیاد هریتج بیان شد، جزء با تغییر بنیادین یک نظام سیاسی امکان‌پذیر نیست. خروج از برجام با هدف ایجاد نارضایتی در میان مردم، تحریم‌های شدید اقتصادی، تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تشویق و تقویت اختلاف در درون رژیم، قطع بازوهای نظامی ج.ا.ایران در منطقه و به‌کارگیری دیپلماسی علیه ج.ا.ایران مؤلفه‌هایی است که از سوی اتاق‌های فکر این کشور با هدف تغییر رژیم در ایران به دولت ترامپ توصیه می‌شد و دولت این کشور به‌وضوح این سیاست‌ها را دنبال می‌نمود؛ گرچه به دلیل برخی از محدودیت‌ها نظیر اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها و اصل حق تعیین سرنوشت توسط ملت‌ها در حقوق بین‌الملل، راهبرد اعلامی خود را تغییر رفتار نظام سیاسی در ج.ا.ایران اعلام می‌نمود.

منابع

الف - فارسی

- اخوان، بهار و همکاران (۱۳۹۷). «راهبرد سیاست خارجی ترامپ در قبال پرونده هسته‌ای ایران»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۸ (۲۸)، ۲۰۱-۲۲۶.
- آهویی، مهدی (۱۳۹۶). «تحلیلی بر راهبرد اتحادهای آمریکا در خاورمیانه و گزینه‌های محتمل در قبال ایران»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۷ (۲۳)، ۴۳-۷۸.
- خداوردی، حسن؛ غفاری چراتی، علی اصغر (۱۳۹۹). «تجزیه و تحلیل رفتار ترامپ در قبال ایران از منظر تحلیل لایه‌ای علت‌ها»، مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۳ (۵۱)، ۹-۴۵.
- سراج، رضا؛ اخوان، محمدجواد (۱۳۹۲). «بررسی اهداف، رهیافت‌ها و عرصه‌های کارکردی جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، ۵ (۱۸)، ۳۴-۵.
- کریمی فرد، حسین؛ لب‌خنده، ابراهیم (۱۳۹۵). «کارکرد مؤسسات مطالعاتی در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۶ (۱)، ۸۱-۵۵.
- معصومی، سارا (۱۳۹۵). «عقب‌نشینی از پاره کردن برجام»، روزنامه اعتماد، ۱۴ (۲۷۱۹).
- مک‌لین، ایان (۱۳۸۱). فرهنگ علوم سیاسی. ترجمه حمید احمدی. تهران: انتشارات میزان.
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۹۶). «راهبرد دولت ترامپ در مورد ایران؛ اهداف و سازوکارها»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۰ (۷۶)، ۱۷۹-۱۸۴.

ب - انگلیسی

- Abbasi Khoshkar, Amir (2021). "From Strategic Similarity to Tactical Differences: Iran and the 2020 US Presidential Election", *Iranian Review of Foreign Affairs*, 12 (1), 61-81.
- Adarnag, Danial; Faraji, Nikan (2021). "A Critical Discourse Analysis of Trump's Speech Regarding Iran's Nuclear Deal on the Basis of Van Leewen's Socio-semantic Model", *International Journal of Social Sciences*, 11 (4), At: <https://sanad.iau.ir/en/Article/804913>.
- Alcaro, R. (2018). "All is not quiet on the Western front trump's Iran policy and Europe's choice on the nuclear deal", *Working Paper*, No (07), Institute of foreign affairs.
- Ardwai, K. (2013). "Activating the Role of Research Centers in Iraq's Policymaking", *Euphrates Center for Development and Strategic Studies*, At: <https://www.bayancenter.org/>.

- Beilenson, Laurence (2000). *Power through Subversion*. Washington D.C: Public Affairs Press.
- Broumund, Theodore R. (2018). *Will Trump's Iran Strategy Work? , heritage*, Available at: <https://www.heritage.org/middle-east/commentary/will-trumps-iran-strategy-work>.
- Davis Noll, bethany A. and Revesz, Richard L. (2022). "Presidential Transitions: The New Rules", *Yale Journal on Regulation*, (39).
- Dubowitz , Mark; Shapiro, Daniel, B. (2018). "Where We Can Agree on Iran Politico Magazine", Available at : <https://www.politico.com/magazine/story/2018/01/01/where-we-can-agree-on-iran-216205>.
- Dubowitz, Mark (2018). "Trump Delivers a Victory to Iran", In: *theatlantic*, Available at: <https://www.theatlantic.com/ideas/archive/2018/12/us-withdrawal-syria-hands-victory-iran/578962/>.
- Dubowitz, Mark (2019). "*Midterm Assessment: Iran*, Available at: <https://www.fdd.org/analysis/2019/01/31/midterm-assessment-iran/>.
- Dyer, G. (2016). "Trump's CIA nominee Mike Pompeo promises to roll back Iran deal, Financial Times", (18/11/2016), Available at: <https://www.ft.com/content/e2849b56-ada7-11e6-ba7d-76378e4fef24>.
- Edelman, Eric; Wald, Charles & Others (2018). "Comprehensive U.S. Strategy toward Iran after the JCPOA", *JINSA's Germander Center Iran Task Force; Jewish Institute for National Security Affairs*, 1-16, Available at: <http://www.jinsa.org/files/>.
- Gerecht, Reuel Marc (2018). "The Iran Deal Is Strategically and Morally Absurd", *the Atlantic*, May 4.
- Harris, Gardiner (2018). "He Was a Tireless Critic of the Iran Deal. Now He Insists He Wanted to Save It", *The New York Times*, May 13.
- Jensehaugen, J. (2014). "Blueprint for Arab- Israel Peace? President Carter and the Brookings Report", *Diplomacy and Statecraft*, 25 (3), 492- 508 .
- Kagan, Frederick W. (2018) "Can We Pursue a Victory Strategy against Iran?" *Commentary*, At: <https://www.commentary.org/articles/frederick-kagan/can-pursue-victory-strategy-iran/>.
- Katzman, K. (2019). *Iran: Internal Politics and US Policy and Options, Congressional Research Service*. Washington, DC
- Katzman, Kenneth (2005). "The Iran sanction's Act (ISA)". *CRS*. Report for congress.
- Katzman, Kenneth (2021). *Iran: Internal Politics and U.S. Policy and Options*. Congressional Research Service, RL32048.
- Khan, Arif; Zaman, Nargis (2018). "Trump Policy Towards Iran: Challrnges and Implications", *Pakistan Journal of Humanities & Social Science Research*, 1 (1).
- Ledeen, Michael (2015). *The Citizen's Guide to Regime Change*, Foundation for Defense of Democracies, 20 January.

- McGann, James (2007). *Think Tanks and Policy Advice in the United States*. New York, Routledge.
- Mirza, Muhammad Nadeem; Nayab, Ayesha (2020). "US Policy of Regime Change: Interplay of Systemic Constraints, Leaders' Perceptions, and Domestic Pressures", *Global Social Sciences Review*, 5 (3). [http://dx.doi.org/10.31703/gssr.2020\(V-III\).32](http://dx.doi.org/10.31703/gssr.2020(V-III).32).
- Mousavian, H. (2016). "*Iran and the United States: What lies ahead in the Trump Era*", (29/1/2017) Available at: <http://watson.brown.edu/events/2016/seyed-hosseini-mousavian-iran-and-united-states-what-lies-ahead-trump-er>.
- Mousavian, H. (2016). "what Trump Needs to Know about Iran", In: *huffingtonpost*, Available at: http://www.huffingtonpost.com/entry/trump-iranfacts_us_586fb7bae4b02b5f85886829.
- Phillips, James (2016). "The Dangerous Regional Implications of the Iran Nuclear Agreement", *The Heritage Foundation*, Available at : <http://thf-reports.s3.amazonaws.com/2016/BG3124.pdf>.
- Pollack, Kenneth (2018). *Pushing back on Iran: A different approach*, Available at: <http://www.aei.org/publication/pushing-back-on-iran-a-different-approach/>.
- Pompeo, Mike (2018). "After The Deal : A New Iran Strategy", *The Heritage Foundation*. Available at: <https://www.heritage.org/defense/event/after-the-deal-new-iran-strategy>.
- Shahmohammadi, Yosef; & et.al. (2019). "The Role of Obama and Trump's Foreign Policy on International System Structure", *International Journal of Political Science*, 9 (4), 1-14.
- Soleimani, Reza (2016). "Smart Power" in the American Think Tanks' Approach to the Nuclear Activities of the Islamic Republic of Iran", *Semiannual Scientific Journal of Islamic Political Thought*, 3 (1),
- Strategic Annual Report (2019). "*The Trump Administration's Foreign Policy-Impacts of Changes in the United States*", available: https://www.jiia.or.jp/en/strategic_comment/2020/03/PDF/.
- The Heritage Foundation (2017). "Iran's Nuclear, Regional and Proxy Challenges", *heritage*, August 30, At: <https://www.heritage.org/middle-east/event/irans-nuclear-regional-and-proxy-challenges>.
- Thomas, Clayton (2023). *Iran: Background and U.S. Policy*, Congressional Research Service, R47321.
- Walt, Stephen M. (2018). "Regime Change for Dummies", *Foreign Policy*, May 14, Available at: <https://foreignpolicy.com/2018/05/14/regime-change-for-dummies/>.